



بررسی رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرمان)

مسعود حاجی زده میمندی^۱، زهرا سعید^۲، وحید اصغری ینگجه^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: احساس امنیت، احساس مصونیت فرد در مقابل تهدیدهایی است که از جانب کنشگران دولتی و غیر دولتی جان، مال، فکر و توانایی افراد را برای شرکت نمودن در اجتماعات دلخواه و یا حفظ این اجتماعات تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین دین‌داری با احساس امنیت صورت گرفته است. **مواد و روش‌ها:** داده‌های تحقیق از طریق اجرای یک پیمایش مقطعی در بین افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر کرمان گردآوری شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند.

نتیجه: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میزان احساس امنیت در بین مردان بیشتر از زنان بوده و از این حیث بین احساس امنیت و جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون رابطه‌ی بین متغیرهای تحقیق نشان داد بین دین‌داری با ابعاد مختلف احساس امنیت (احساس امنیت جانی، مالی، جمعی و شغلی) رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین ترتیب هر چه میزان دین‌داری در جامعه بیشتر باشد به همان میزان انواع احساس امنیت اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد سه متغیر دین‌داری، جنسیت و وضعیت تاهل ۰/۳۱ درصد از تغییرات متغیر ملاک (احساس امنیت) را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: دین‌داری، احساس امنیت، شهر کرمان.



۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، آدرس: ایران، یزد، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی. ایمیل: mhadjizadeh@yazd.ac.ir

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، آدرس: ایران، یزد، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی. شماره تماس: ۰۹۳۳۳۰۹۹۷۱۹

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، آدرس: ایران، یزد، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی. (نویسنده مسئول)
شماره تماس: ۰۹۳۹۱۴۳۰۵۱۱



امنیت و احساس امنیت یکی از نیازهای فطری انسان بوده و با ذات او آمیخته شده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که انسانها همواره در تلاش برای تأمین امنیت پایدار در زندگی خود بوده و تمایل جوامع انسانی به اسکان در روستاهای قلعه‌ای در مجاورت کوه‌ها و تجمع روستاییان در کنار هم از همین غریزه ذاتی انسانها ناشی می‌شود. انسانها برای تسلط بر طبیعت، فرار از ناامنی و تهدید، تأمین نیازهای اساسی خود و در یک کلمه برای دستیابی به امنیت و احساس ایمنی، زندگی اجتماعی را برگزیدند. اما به موازات گسترش اجتماعات و با پیچیده‌تر شدن روابط و تعاملات اجتماعی وارد روابط گوناگونی شد که عرصه‌های زندگی را تحت عناوین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از هم متمایز کرده و امنیت او را تحت شعاع قرار داد. بنابراین انسان با تشکیل جامعه بستری نو برای تهدید امنیت خود فراهم آورد که از زندگی جمعی او ناشی می‌شد. انسانها برای فرار از ناامنی و دستیابی به احساس امنیت، جامعه را تشکیل دادند اما به زودی دریافتند که در زندگی اجتماعی امنیت نه تنها از سوی طبیعت و عوامل طبیعی، بلکه از سوی انسانها و عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی نیز تهدید می‌شود، از این رو دغدغه احساس امنیت در مقوله جدید تحت عنوان احساس امنیت ظهور کرد (نبوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۴).

به اعتقاد بوزان اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجب انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است. تهدیدات موجود در جامعه به اشکال بسیار متنوعی رخ می‌دهند ولی اصولاً می‌توان این تهدیدات را به سه دسته تقسیم کرد: تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه، مرگ) تهدید اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع، تهدیدات نسبت به حقوق در زندانی شدن، از بین رفتن آزادی‌های مدنی) همراه با (تهدیدات موقعیت یا وضعیت تنزل رتبه تحقیر در انظار عمومی) غالباً این تهدیدات با هم همبستگی دارند یعنی وقوع یکی از آنها ممکن است به بروز عواقبی در دیگری منجر شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴).

دورکیم معتقد است در جامعه‌ای که فرهنگ مشترک و قوی در مورد اعتقاد عمومی وجود دارد، همبستگی اجتماعی استحکام و نظم اجتماعی، عینیت بیشتری خواهد یافت و این مهم‌ترین عاملی می‌شود تا نظام اخلاقی و نظام باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را به مردم یک جامعه هدیه کند که در پرتوی آن نظم اجتماعی برقرار بماند و





جرم، نابهنجاری و خودکشی کاهش یابد و هرج و مرج رخت بر بندد و به طبع آن امنیت و ثبات اجتماعی برقرار گردد (صدیق اورعی، ۱۳۷۶: ۱۴۹).

از نظر دورکیم امنیت اجتماعی در جامعه جدید بستگی به درک مطالبات افراد جامعه و پاسخگویی به آن‌ها دارد و برای درک آن مطالبات معتقد است که جامعه نیاز به حضور گروه‌های ثانویه دارد گروه‌هایی که به شیوه عقلانی واسطه بین فرد و جامعه کل قرار گیرد و امنیت در روابط قراردادی و اجتماع اخلاقی را ایجاد و محافظت کنند (امانت، ۱۳۹۰).
وبر در تکمیل بحث‌های دورکیم به اهمیت نهادهای مذهبی در جامعه تاکید می‌ورزد. به عقیده وی، مذهب باعث جاری شدن ارزش‌ها می‌شود و ارزش‌ها نهادینه شده، نظم اجتماعی را شکل می‌دهند و نظم اجتماعی نیز باعث امنیت و احساس امنیت در افراد می‌گردد. احساس امنیت مقوله مرتبط با ویژگی‌های درونی افراد است؛ اما شرایط شکل‌گیری این احساس هم به عوامل عینی و هم به عوامل ذهنی بستگی دارد. اگر افراد جامعه از لحاظ روانی احساس امنیت داشته باشند، کمتر دچار مشکلات مختلف خواهند شد. بنابراین، یکی از نهادهایی که در تأمین احساس امنیت اجتماعی نقش بسزایی دارد، نهاد دین است. دین، دین‌داری و ایمان به خدا، انسان‌ها را به اجرای قوانین و دوری از بزهکاری و ناهنجاری‌های اخلاقی دعوت می‌کند. در واقع ایمان و دین‌داری، انسان را از درون متحول می‌سازد و نیروی محرکه قوی به سوی خوبی‌ها و ترک زشتی‌ها در نهاد او قرار می‌دهد و هر آن با هشدار به او از گرایش و میل به زشتی‌ها و ارتکاب جرایم باز می‌دارد (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۸۴: ۵۷). به نوعی می‌توان گفت، امنیت اجتماعی و اعتماد عمومی و مسئولیت‌پذیری از آثار دین‌داری است (همان: ۶۰). بر این اساس، احساس امنیت از وجود دین‌داری در بین افراد به وجود خواهد آمد.

با توجه به اینکه احساس امنیت جزو ابتدایی‌ترین نیازهای انسانی است، به نظر می‌رسد که این نیاز اولیه تأثیر بسزایی در تعیین سطح کیفیت زندگی افراد داشته باشد و از آنجایی که دین به عنوان یک منبع و نیروی آسمانی نقش اساسی در توسعه فرهنگی و اجتماعی جوامع دارد و با توجه به نقش کلیدی آن در کاهش بزهکاری و ترغیب انسان‌ها به مسائل اخلاقی، این مقاله به دنبال بررسی ارتباط بین دین‌داری و میزان احساس امنیت در شهر کرمان است و هدف از این مطالعه پاسخ به این سوال است که آیا رابطه‌ای بین سطح دین‌داری مردم و میزان احساس امنیت وجود دارد؟





امنیت از ریشه لاتین Securus است که در لغت به معنای "نداشتن دلهره و دغدغه" است. بنابراین معنای لغوی امنیت، رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۴). امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌هاست (خلیلی، ۱۳۸۱) و به دفاع یا حفاظت از خود، خانواده، دوستان و اموال گفته می‌شود (کلمتس، ۱۳۸۴: ۷۵). رویکردهای متفاوتی به موضوع امنیت وجود دارد. یکی از مهم‌ترین آنها، رویکرد اجتماعی یا مدرن است. در این رویکرد امنیت و احساس امنیت در بستر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تبیین و تعریف می‌شوند. در حوزه جامعه‌شناسی، احساس امنیت در یک نظام اجتماعی بر بستر عامل - ساختار تبیین شده است و از این حیث احساس امنیت به عنوان احساس ذهنی کنشگر مورد توجه قرار گرفته است (بیات، ۱۳۸۸: ۱۰).

زمینه اجتماعی - فرهنگی در سه بعد قابل طرح است: رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای. در بعد رفتاری تمرکز بر کنش متقابل میان افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در راستای حفظ و تولید نظم اجتماعی است؛ نظمی که منشأ اصلی احساس امنیت است. در بعد ساختاری، سازمان‌ها و نهادها، قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه به عنوان ضرورت کارکردی برای تولید نظم و امنیت در نظر گرفته می‌شوند. بعد زمینه‌ای به شرایط محیطی، تاریخی، فرهنگی و تمدنی جامعه مرتبط است. ارزش‌های دینی در بعد رفتاری و تأثیر بر کنش میان افراد و دین به عنوان یک نهاد تولید نظم در بعد ساختاری، می‌تواند بر ایجاد امنیت و احساس امنیت مؤثر واقع شوند.

امنیت اجتماعی از نگاه بوزان، به قابلیت الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است (نویدنیا، ۱۳۸۳). از این منظر با حفظ عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه، تحقق شرایط امن برای بقا و تداوم جامعه میسر می‌شود.

بوزان معتقد است که امنیت اجتماعی به مقابله با خطرهایی می‌پردازد که به صورت نیروی بالقوه یا بالفعل هویت افراد جامعه را تهدید می‌کنند. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به بیان دیگر، مربوط به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت اجتماعی (گروهی) او را سامان می‌بخشند؛ یعنی حوزه‌ای از حیات





اجتماع که فرد خود را به ضمیر ما متعلق و منتسب می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. مثل ما ایرانیان، زنان و مسلمانان. هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته، تهدیدی برای امنیت اجتماع محسوب می‌شود. بدین جهت است که بوزان مفهوم ارگانیک امنیت اجتماعی را هویت دانسته، امنیت اجتماعی را مترادف با امنیت هویت تلقی می‌کند (نویدینا، ۱۳۸۲). در واقع این احساس وابستگی و تعلق که میان اعضای گروه وجود دارد، باعث می‌شود گروه اجتماعی سامان گیرد. گروه اجتماعی آن کلیتی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و باور، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و باعث می‌شود آنها بتوانند به این کلیت با عنوان "ما" نگاه کنند.

تالکوت پارسونز از جامعه‌شناسان معروف، امنیت را از رویکردی جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرار داده است. پارسونز جامعه را به خرده سیستم‌هایی تقسیم می‌نماید که هر کدام دارای کارکردی خاص هستند و میزان توانمندی آنان در ایفای کارکردها، عامل دوام و بقای جامعه است و بالعکس. به میزان کاستی در انجام کارکردها، به انسجام و یگانگی و در نتیجه امنیت جامعه خدشه وارد شده و خطر فروپاشی و زوال، آن را تهدید می‌نماید (نویدینا، ۱۳۸۵: ۳۸-۳۹).

از آن‌جا که در نظریه پارسونز، نهادهای قانونی و حقوقی از تحقق کارکردها در جامعه خبر می‌دهد و یگانگی مورد نظر پارسونز را فراهم می‌کنند؛ لذا جامعه با تثبیت نهادهای حقوقی و قانونی، نظم، امنیت و دوام خود را تضمین می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸۹).

روشن است که حفظ نظم و امنیت در نظریه‌ی پارسونز تنها به ابزارهای نظارت و کنترل بیرونی خلاصه نمی‌شود، بلکه ابزار درونی کنترل و عنصر اجتماعی کردن را نیز در بر می‌گیرد. مفهوم سوگیری یا گرایش اشاره به همین موضوع دارد. به عقیده‌ی پارسونز، متغیرهای الگویی، دو شیوه‌ی متفاوت گرایش‌ات ارزشی در نقشی است که از فرد انتظار می‌رود در هر نظام اجتماعی ایفا کند (ازکیا، ۱۳۸۳: ۹۵). بدین معنی در موقعیت‌هایی که تهدید و ناامنی متوجه اجتماع می‌شود، از فرد انتظار می‌رود گرایش‌اتی در جهت تأمین امنیت اجتماع و محیط، از خود نشان دهد. این امر به عنوان ابزار کنترل درونی در اجتماع عمل کرده و تنها به واسطه‌ی اجتماعی شدن صحیح، صورت پذیر خواهد بود. بدین سان، حفظ نظم و امنیت اجتماعی در نظریه پارسونز، مبتنی بر دو عنصر: اجتماعی کردن و ابزار درونی کنترل، نظارت اجتماعی و ابزار بیرونی کنترل است (ریترز، ۱۳۸۳:





۱۳۷-۱۳۶).

احساس امنیت پدیده‌ای روان شناختی - اجتماعی است و دارای ابعاد گوناگونی است. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیر مستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامون است که افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند (بیات، ۱۳۸۸: ۱۵). برای بیشتر مردم، امنیت یعنی اهتمام بر حمایت در برابر تهدید بیماری‌ها، گرسنگی، بیکاری، جنایت، مناقشات اجتماعی، فشارهای سیاسی و بلایای طبیعی است (باچپایی، ۱۳۸۴: ۳۸). اجزای امنیت انسانی براساس گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ عبارتند از: امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت سلامتی، امنیت زیست - محیطی، امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی. امنیت اقتصادی به برخورداری افراد از درآمد پایه، یا از طریق اشتغال درآمدزا یا به وسیله شبکه سلامت (تأمین) اجتماعی، اطلاق می‌شود. امنیت غذایی به دسترسی افراد به غذا به واسطه دارایی، شغل یا درآمد فردی گفته می‌شود. امنیت سلامتی به رهایی انسان از امراض مختلف و بیماری‌های کشنده و دسترسی وی به خدمات درمانی اطلاق می‌شود. امنیت زیست محیطی بر پاک‌ی زمین، هوا و آب دلالت می‌کند که بقای زندگی را ممکن می‌سازد. امنیت فردی به رهایی انسان از جنایت و خشونت و به ویژه به رهایی زنان و کودکان که آسیب پذیرتر هستند، اطلاق می‌شود. امنیت اجتماعی به حرمت فرهنگی و آرامش و صلح درون جامعه که انسان در آن زندگی و رشد می‌کند، اطلاق می‌گردد. بالاخره، امنیت سیاسی به حمایت از انسان در برابر نقض حقوق بشر تعبیر می‌شود (باچپایی، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۲).

دین‌داری

دین‌داری عبارت است از پایبندی و آگاهی از اصول و شعائر یک مذهب، به گونه‌ای که این پیروی بر زندگی فردی و اجتماعی تأثیر گذار باشد (ربانی و طاهری، ۱۳۹۰). یک فرد دیندار کسی است که با آگاهی از اصول و شعائر یک مذهب به پیروی از آن می‌پردازد، به نحوی که این پیروی بر زندگی فردی و اجتماعی وی تأثیر گذار است (شهابی، ۱۳۸۲). به عبارتی دیگر، دین‌داری عبارت است از میزان علاقه و احترامی که پیروان یک دین برای آن قائل هستند (سراج‌زاده، ۱۳۷۷).

آگوست کنت معتقد است، دین همان اصل وحدت بخشی است که زمینه مشترکی را فراهم می‌سازد و اگر نبود، اختلافات فردی جامعه را از هم می‌گسیختند. دین به انسان‌ها اجازه می‌دهد تا بر تمایلات خودخواهانه‌شان فایق آیند و به خاطر عشق به هم‌نوعانشان،



فراتر از این خودخواهی عمل کنند. وی از اعتقادات دینی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اجماع اجتماعی یاد می‌کند و آن را سنگ بنای سامان اجتماعی می‌داند که همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک به همدیگر پیوند می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۶: ۳۴).

الوود معتقد است که دین ارزشی والاست که بر روحيات و نوع عملکرد افراد در زندگی اثر گذاشته و مهم‌ترین پیامد دین در جامعه، تحکیم روابط اجتماعی افراد جامعه است (الوود، ۱۹۹۳: ۳۷). همچنین، کیشی موتو مذهب را یکی از جنبه‌های فرهنگ دانسته و معتقد است دین بر فعالیت‌هایی تمرکز دارد که به عقیده رهروان آن، این اعمال، معنایی غایی را برای زندگی به ارمغان آورده، به حل مشکلات می‌انجامد. این فعالیت‌ها، به نوعی با تقدس و حرکت به سوی خدا همراه است (کیشی موتو، ۱۹۶۱: ۲۰۴). برگرن و برونسکی (۲۰۱۱) معتقدند مذهب تأثیرات مختلفی بر رفتارهای اجتماعی می‌گذارد. ایشان با اشاره به تحقیقات کمپل مبنی بر اینکه آمریکاییهای مذهبی همسایگان بهتری هستند، بر این اعتقادند که چنین نتایجی ناشی از آموزه‌های دینی است. به عبارتی، ناشی از آن است که دینداری مستلزم داشتن تعاملات اجتماعی است (برگر و برونسکی، ۲۰۱۱: ۴۶۱).

دورکیم دین را عامل همبستگی می‌داند (همیلتون: ۱۳۷۷: ۱۷۸). دیویس دین را عامل انسجام بخش و تقویت همکاری اعضا و ادای دین را هنجار بخش و نظم آفرین می‌داند (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶). وبر در پی یافتن مناظره‌هایی میان تمایلات فردی و ساخت‌های اجتماعی است، بدون آنکه یکی را بر دیگری مقدم بداند. اساس بحث او در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری تحلیل تمایلات و رفتارهای فردی بر محور ایستارهای دینی است. حاصل سخن وبر آن است که "بین ساخت‌های اجتماعی و ماهیت تمایلات فردی، روابط نظام یافته‌ای وجود دارد" (ورسلی، ۱۳۷۹: ۳۸). وبر بر آن است که تمایلات انسانی در درون جامعه شکل می‌گیرد. فرد با قرار گرفتن در متن جامعه خویش و با درونی کردن ارزش‌ها و ایستارهای آن تمنیاتی متناسب با نیازهای خویش پیدا می‌کند. بنابراین، نظم اجتماعی در سازمان جامعه و ایستارها و ارزش‌های آن ریشه دارد. این منافی تمایلات و تمنیات فردی نیست، زیرا میان این دو تناظر و ارتباطی سازمان یافته وجود دارد (ورسلی، ۱۳۷۹: ۳۸). به طور کلی، می‌توان گفت وبر پایه و اساس نظم و امنیت را عوامل فکری، دینی و مشروعیت سیاسی در نظر می‌گیرد.

توکویل نیز دین را کلید نیرو بخش کمک کردن مردم به یکدیگر و گذشتن از منافع



خودشان به خاطر دیگران می‌داند (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶). برخی نهادها مستقیماً در امنیت‌سازی و اعمال تدابیر پیشگیری وضعی دخالت دارند، مانند نگهبان محله و ستاد امر به معروف در بسیج محله‌ها و یا ستاد حفاظت اجتماعی که مشارکت مردم در حفظ امنیت خود را بر می‌انگیزد. دسته‌ای دیگر از نهادها اگر چه مستقیماً با موضوع پیشگیری در ارتباط نیستند، اما توسعه فعالیت‌های آنان به کاهش بزهکاری منتهی می‌شود، مانند مساجد، هیأت‌های مذهبی، کتابخانه‌ها، کانون‌های فرهنگی - هنری، آموزشگاه‌های کار و هنر، باشگاه‌های ورزشی و سایر نهادهایی که می‌توانند در پر کردن اوقات فراغت جوانان و کاستن فرصت‌های بزهکارانه سازمان‌دهی شوند (میرخلیلی، ۱۳۸۷). به عقیده پترسون (۱۹۹۰) فرد با ایمان به این دلیل که خداوند را حامی و مراقب خود می‌داند، احساس رها شدگی، پوچی و تنهایی نمی‌کند (عابدی و همکاران، ۱۳۸۷). اتکا به نیروی الهی در این افراد و عدم احساس تنها ماندگی، مانع از بروز احساس ناامنی در آنها می‌شود. کتابی معتقد است که مذهب می‌تواند حس اعتماد، پیوند، هویت مشترک، همبستگی اجتماعی و روحیه همکاری و تعاون را در افراد ایجاد کند (کتابی، ۱۳۸۳: ۱۸۰). بنابراین، فرد با بهره‌مند شدن از این عناصر بیش از پیش احساس امنیت خواهد کرد. در نهایت، می‌توان گفت که دین از عوامل مهم و تأثیرگذار در سلامت ذهن است، دین چهره جهان را در نظر فرد دیندار دگرگون می‌سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد. فرد دیندار خود را سخت در حمایت و لطف همه جانبه خداوند، بزرگترین نیروی موجود می‌بیند و بدین ترتیب، احساس اطمینان و آرامش و لذت معنوی عمیقی به وی دست می‌دهد. چنین فردی به واسطه ناملايمات و ناکامی‌های زندگی دچار ناامیدی و اضطراب نمی‌گردد؛ زیرا خداوند را حامی خویش می‌داند، او اطمینان دارد که این حوادث و رویدادها گذرا هستند و او پاداش صبر خود را خواهد گرفت (کروز، ۲۰۰۳؛ به نقل از چراغی و مولوی، ۱۳۸۵).

پیشینه پژوهش

بهیان و فیروزآبادی (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر کرمان پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین متغیرهای فضای فیزیکی شهر، فضای اجتماعی شهر، مشاهده تلویزیون داخلی، گوش کردن به رادیو داخلی، استفاده از اینترنت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سن و جنس با میزان احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد ولی بین وضعیت بومی یا غیر بومی بودن شهروندان و



احساس امنیت رابطه معناداری مشاهده نشد.

عریضی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود به بررسی تأثیر برخی متغیرهای اجتماعی و فردی مؤثر بر احساس امنیت زنان در اماکن عمومی شهر بندرعباس پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد بین متغیرهای آگاهی از حوادث و جرائم، اعتماد نهادینه، نگرش نسبت به عملکرد پلیس، نوع پوشش زنان، و فضای کالبدی شهر با میزان احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین اعتماد عام و تجربه قربانی شدن با میزان احساس امنیت رابطه معناداری وجود نداشت.

احمدی و اسمعیلی (۱۳۸۹) به بررسی سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چند بعدی و میان رشته‌ای در شهر مشهد پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که میانگین احساس امنیت اجتماعی زنان از نمره متوسط پایین‌تر است. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی عبارت بودند از: استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نگرش به حجاب، طراحی شهری، تصور فرد از خود و حمایت اجتماعی.

پور احمد و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه دین‌داری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی پرداختند. در این تحقیق دین‌داری در پنج بعد فکری، اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی و احساس امنیت در سه بخش احساس امنیت عمومی، رضایت از مسئولان امنیتی و ترس از انواع فضاهای شهری و روستایی سنجیده شد. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود همبستگی معناداری بین اکثر ابعاد دین‌داری با متغیرهای احساس امنیت بود. همچنین، نتایج بررسی‌ها نشان داد که ابعاد دین‌داری بیشترین ارتباط را با متغیر ترس از انواع فضاهای شهری و روستایی دارند.

شایگان و رستمی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "هویت اجتماعی و احساس امنیت" مطالعه موردی زنان تهران به بررسی عوامل مؤثر بر امنیت از جمله دین‌داری پرداختند. آزمون فرضیات آنها نشان داد که افرادی که از تعلقات مذهبی بالاتری برخوردارند، احساس امنیت بیشتری دارند.

علوی و همکاران (۱۳۸۷) با بررسی نقش مذهب در کاهش پرخاشگری در شهر اصفهان، به این نتیجه رسیدند که بین دو گروه مسجدی و غیر مسجدی در میزان پرخاشگری تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، بین دفعات حضور در مسجد و میزان پرخاشگری رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هر چه میزان دفعات مراجعه به مسجد بیشتر باشد، از میزان پرخاشگری کاسته می‌شود.

بروتان و جکسون (۲۰۱۲) در تحقیق خود نشان دادند که بین تجربه فرد از جرم



یا تماشای وقوع جرم در محله یا شهر و احساس امنیت رابطه وجود دارد. همچنین اگر فرد احساس کند که در محل زندگی او نظم و مقررات و قانون مرتباً شکسته می‌شود، احساس امنیت او کاهش می‌یابد.

مطالعه مذهب کاتولیک توسط لورن و کارل (۲۰۰۳) نیز نشان دهنده‌ی این است که عبادت مکرر، روی سلامت فرد تأثیر می‌گذارد و این نوع عبادت سلامت روان فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (لورن و کارل، ۲۰۰۳: ۱۴-۲۰). همچنین مطالعه دیگری که گلاتر و همکاران (۲۰۰۰) در کارولینای شمالی انجام دادند، نشان داد که هر چه افراد در فعالیت‌های مذهبی مشارکت منظم‌تری داشته باشند، از سلامت بیشتری برخوردارند. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که متغیرهای تأثیرگذار بر احساس امنیت متفاوت و متنوع هستند و هنوز نمی‌توان آنها را به مکان‌های مختلف تعمیم داد. عناصر فردی، محیطی و فرهنگی در این مسأله دخیل هستند و هنوز نیاز به تحقیقات بیشتری وجود دارد تا مشخص شود که کدام یک از این متغیرها تأثیرگذاری بیشتری دارند.

روش تحقیق

مطالعه حاضر، به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی، به لحاظ معیار زمان، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و از نظر وسعت، پهنانگر است. جمعیت آماری تحقیق را کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر کرمان در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند که بر اساس برآوردهای جمعیتی از سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد کل آن‌ها ۶۷۹۶۵۰ بوده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۶ نفر تعیین گردید.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه بوده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه تحقیق از اعتبار صوری و اعتبار محتوا استفاده شد. بدین منظور مقیاس مورد نظر به تعدادی از اساتید صاحب‌نظر و متخصص داده شد تا اعتبار آن محرز گردد. پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. پایایی داده‌های جمع‌آوری شده نهایی نیز دوباره با استفاده از سنجی آلفای کرونباخ محاسبه شده که در مجموع پایایی محاسبه شده برای هر کدام از طیف‌ها به شرح جدول شماره ۱ آمده است.



جدول شماره ۱: ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	تعداد گویه	میزان پایایی
دینداری	۲۵	۰/۷۴
احساس امنیت جانی	۶	۰/۸۰
احساس امنیت مالی	۵	۰/۷۵
احساس امنیت شغلی	۴	۰/۷۷
احساس امنیت جمعی	۵	۰/۸۶

ابزار پژوهش

برای سنجش دین داری در این تحقیق، از مدل کلارک و استارک استفاده شده است. کلارک و استارک در کتاب ماهیت تعهد مذهبی اذعان نموده‌اند که با وجود تفاوت‌هایی در ادیان، می‌توان وجوه اشتراکی را بین آن‌ها یافت. این وجوه یا عرصه‌ها در حقیقت ابعاد دین داری را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی، فکری. در این پژوهش بر مبنای برخی از شاخص‌های مناسب جهت سنجش دین داری مسلمانان جمعا ۲۵ گویه طراحی شده است.

همچنین به منظور سنجش میزان احساس امنیت در بین پاسخگویان، با عنایت به مبانی تئوریک و مرور تعداد زیادی از تحقیقاتی که در داخل و خارج از کشور درباره این مفهوم انجام شده است (بهیان و فیروزآبادی، ۱۳۹۲؛ عریضی و همکاران، ۱۳۹۱؛ پور احمد و همکاران، ۱۳۹۱؛ احمدی و اسمعیلی، ۱۳۸۹؛ بروتان و جکسون، ۲۰۱۲) مهم‌ترین ابعاد متغیر امنیت شناسایی و از ۴ بعد احساس امنیت (احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی، احساس امنیت جمعی و احساس امنیت شغلی) استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

از مجموع ۳۶۵ پاسخگوی این تحقیق، ۶۴/۴۵ درصد را مردان و ۳۵/۵۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. دامنه‌ی سنی پاسخگویان بین ۱۵ تا ۶۰ سال بوده است. ۳۷/۶ درصد افراد مذکور مجرد و مابقی ۶۲/۴ درصد متأهل بوده‌اند. در رابطه با وضعیت اشتغال، ۴۱/۲ درصد از پاسخگویان شاغل و ۵۸/۸ درصد غیر شاغل بوده‌اند. از نظر سطح سواد ۱۳/۸۸ درصد از پاسخ دهندگان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۱۸/۰۵ درصد دارای تحصیلات



دیپلم، ۲۳/۶۱ درصد فوق دیپلم، ۳۴/۷۲ درصد دارای تحصیلات لیسانس و ۹/۷۴ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

یافته‌های استنباطی

در این بخش به بررسی روابط بین متغیرها و آزمون فرضیه‌های اصلی و فرعی تحقیق پرداخته می‌شود. فرضیه اصلی تحقیق این بود که: بین دین‌داری و احساس امنیت رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۲: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
دین‌داری	احساس امنیت	۴۳/۲	۰/۰۰۰

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت معنی‌دار است. ضریب همبستگی پیرسون بین دین‌داری و احساس امنیت برابر ۴۳/۲ و سطح معنی‌داری برابر $p=۰/۰۰۰$ شده است، یعنی این رابطه معنی‌دار است. با توجه به مثبت بودن ضریب مشخص می‌شود هرچه میزان دین‌داری افزایش پیدا کند، میزان احساس امنیت نیز افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه‌ی بعدی که از فرضیه‌های فرعی این تحقیق محسوب می‌شود بررسی رابطه‌ی بین دین‌داری و احساس امنیت جانی بود که نتیجه آن به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول شماره ۳: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت جانی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
دین‌داری	احساس امنیت جانی	۲۶/۷	۰/۰۰۰

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت جانی معنی‌دار است. ضریب همبستگی پیرسون بین دین‌داری و احساس امنیت جانی برابر ۲۶/۷ و سطح معنی‌داری $p=۰/۰۰۰$ شده است، یعنی این رابطه معنی‌دار است. با توجه به مثبت بودن ضریب، مشخص می‌شود که هرچه میزان دین‌داری افزایش پیدا کند میزان احساس امنیت جانی نیز افزایش پیدا می‌کند.

بررسی رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت مالی پاسخگویان فرضیه فرعی دیگر این مطالعه بود که نتایج آزمون آن به شرح جدول زیر می‌باشد.



جدول شماره ۴: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه بین دینداری و احساس امنیت مالی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
دینداری	احساس امنیت مالی	۳۱/۴	۰/۰۰۰

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت مالی معنی‌دار است. ضریب همبستگی پیرسون بین دین‌داری و احساس امنیت مالی برابر ۳۱/۴ و سطح معنی‌داری $p=۰/۰۰۰$ شده است، یعنی این رابطه معنی‌دار است. با توجه به مثبت بودن ضریب، مشخص می‌شود که هرچه میزان دین‌داری افزایش پیدا کند میزان احساس امنیت مالی نیز افزایش پیدا می‌کند.

بررسی رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت جمعی عنوان فرضیه بعدی این مطالعه بود که نتایج آزمون آن به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول شماره ۵: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه بین دینداری و احساس امنیت جمعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
دینداری	احساس امنیت جمعی	۳۵/۱	۰/۰۰۰

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت جمعی معنی‌دار است. ضریب همبستگی پیرسون بین دین‌داری و احساس امنیت جمعی برابر ۳۵/۱ و سطح معنی‌داری $p=۰/۰۰۰$ شده است، یعنی این رابطه معنی‌دار است. با توجه به مثبت بودن ضریب، مشخص می‌شود که هرچه میزان دین‌داری افزایش پیدا کند میزان احساس امنیت جانی نیز افزایش پیدا می‌کند.

بررسی رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت شغلی از فرضیه‌های دیگر این تحقیق بود که برای آزمون آن از همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج آزمون آن به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول شماره ۶: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه بین دینداری و احساس امنیت شغلی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
دینداری	احساس امنیت شغلی	۱۹/۸	۰/۰۰۰

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت شغلی معنی‌دار است. ضریب همبستگی پیرسون بین دین‌داری و احساس امنیت شغلی



برابر ۱۹/۸ و سطح معنی داری $p=۰/۰۰۰$ شده است، یعنی این رابطه معنی دار است. با توجه به مثبت بودن ضریب، مشخص می شود که هرچه میزان دین داری افزایش پیدا کند میزان احساس امنیت شغلی نیز افزایش پیدا می کند.

فرضیه آخر این مطالعه عبارت بود از اینکه؛ بین احساس امنیت بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد. به منظور مقایسه میانگین میزان احساس امنیت در بین مردان و زنان، از آزمون تی استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۷: خروجی آزمون تی جهت مقایسه میانگین میزان احساس امنیت در بین مردان و زنان

متغیر	مقولات	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معنی داری
احساس امنیت	مردان	۶۱/۴۲	۱۲/۵۰۰	۵/۱۵۸	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰
	زنان	۴۸/۵۸	۹/۲۱۱			

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می شود، تفاوت معنی داری بین میانگین میزان احساس امنیت بر حسب جنسیت با سطح معنی داری $p=۰/۰۰۰$ وجود داشته است. بر این اساس مردان نسبت به زنان از میانگین نمره بیشتری در احساس امنیت برخوردار بوده اند.

تجزیه و تحلیل چند متغیره

در یک جمع بندی از آزمون های مطرح شده، رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. در انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره در این تحقیق در مجموع ۷ متغیر جنس، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، میزان درآمد خانواده و دین داری وارد معادله گردیدند که از بین این متغیرها، سه متغیر جنس، وضعیت تأهل، و دین داری تأثیر معنی داری بر متغیر وابسته داشته اند.

جدول شماره ۸: نتایج رگرسیون چند متغیره

ضریب همبستگی چندگانه: ۰/۴۴		ضریب تعیین: ۰/۳۱		مقدار f: ۴۹/۳۲۷	سطح معنی داری: ۰/۰۰۰
سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد شده (بتا)	متغیرهای مستقل	دینداری	جنس
۰/۰۰۰	۸/۶۷۸	۰/۴۱	وضعیت تأهل	۰/۱۷	وضعیت تأهل
۰/۰۰۱	۵/۱۱۱	۰/۱۰	جنس		
۰/۰۰۰	۲/۰۲۲		دینداری		





شکل رگرسیون تبیین شده طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F ، برای تعیین معنی داری اثر متغیرهای مستقل برابر $49/327$ با سطح معنی داری $p=0/000$ می باشد. ضریب همبستگی چندگانه برابر با $0/44$ و ضریب تعیین آن برابر با $0/31$ درصد است که نشان می دهد ۳۱ درصد تغییرات متغیر وابسته (احساس امنیت) را متغیرهای مستقل معادله پیش بینی می کنند. در مجموع با توجه به بتای استاندارد شده، میزان اثر دین داری $0/41$ درصد، جنس $0/17$ درصد و میزان اثر وضعیت تأهل $0/10$ درصد می باشد.

نتیجه گیری

امروزه حساسیت های مربوط به امنیت حجم قابل توجهی از پژوهش ها و تحقیقات مختلف را به خود اختصاص داده است. بررسی مؤلفه ها و ملاحظات امنیتی یکی از سیاست ها و برنامه های حیاتی هر کشور محسوب می شود، از این رو مفهوم امنیت و درک صحیح آن به منظور تدوین سیاست های امنیتی، می تواند در ثبات یک جامعه تأثیر مطلوبی بگذارد. در واقع، امنیت مقوله ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و هر کشوری اولویت اول ساختار حکومتی خود را به برقراری امنیت در جامعه خود اختصاص می دهد. عوامل و زمینه های متعددی در شکل گیری و ایجاد آن، نقش ایفا می کند که دین داری به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر آن، در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

دین داری با معنادار کردن نظام زندگی، ایجاد احساس خوشبختی، رفع احساس تنهایی، هدف جلوه دادن زندگی و افزایش امید به زندگی، آرامش روحی را در افراد ایجاد کرده و موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی می شود. به زعم ملیونفسکی نیز، دین ریشه در فشارها و تنش های عاطفی دارد و در مشکلات به کمک انسان ها می آید و احساس آرامش را برای آن ها به ارمغان می آورد (همیلتون، ۱۳۷۷؛ به نقل از قاسمی و امیری، ۱۳۹۰).

یافته های این مطالعه نشان داد که بین دین داری و احساس امنیت اجتماعی بعنوان فرضیه اصلی این مطالعه رابطه معناداری وجود دارد. یافته های مربوط به آزمون فرضیه های فرعی این مطالعه یعنی بررسی رابطه ی بین دین داری و انواع احساس امنیت اجتماعی (امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت شغلی، امنیت جمعی) مؤید رابطه ی معنی دار بین آنها می باشد. همچنین نتایج میانگین میزان احساس امنیت در بین مردان و زنان شهر کرمان



نشان داد که احساس امنیت در بین مردان نسبت به زنان از میزان بالاتری برخوردار است. تفاوت در احساس امنیت مردان و زنان را تحقیقات بسیاری تأیید کرده‌اند. برای مثال بهیان و فیروزآبادی (۱۳۹۲) در پژوهش خود دریافتند که احساس امنیت بر حسب جنسیت متفاوت است و مردان نسبت به زنان میزان احساس امنیت بیشتری را از خود نشان می‌دهند. همچنین نتایج پژوهش احمدی و اسمعیلی (۸۹) در رابطه با بررسی تفاوت میزان احساس امنیت بر حسب جنسیت، وجود تفاوت معنی‌داری را بر حسب جنسیت بین مردان و زنان به نفع مردان نشان داده است.

وجود رابطه معنادار بین دین‌داری و انواع احساس امنیت اجتماعی بیانگر این مطلب است که نتایج این پژوهش با نظریه‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و همچنین تحقیقات انجام گرفته در مورد این موضوع همخوانی و قرابت دارد. آگوست کنت از اعتقادات دینی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اجماع اجتماعی یاد می‌کند و آن را سنگ بنای سامان اجتماعی می‌داند که همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک به همدیگر پیوند می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۶: ۳۴). از دیدگاه پترسون (۱۹۹۰) اتکا به نیروی الهی در افراد موجب عدم احساس تنها ماندگی و مانع از بروز احساس ناامنی در آنها می‌شود (عابدی و همکاران، ۱۳۸۷). الوود (۱۹۹۳) مهم‌ترین پیامد دین در جامعه را تحکیم روابط اجتماعی افراد جامعه است (الوود، ۱۹۹۳: ۳۰۷). دیویس دین را عامل انسجام بخش و تقویت همکاری اعضا و ادای دین را هنجار بخش و نظم آفرین می‌داند (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶). همچنین در این خصوص (رابطه بین دین‌داری با احساس امنیت و انواع آن) می‌توان به نتایج تحقیقات گلانتر و همکاران (۲۰۰۰)، عریضی و همکاران (۱۳۹۱)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱)، علوی و همکاران (۱۳۸۷) اشاره کرد، که نشان دادند افرادی که از تعلقات مذهبی و سطح دین‌داری بالاتری برخوردارند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند. به طور مشابه شایگان و رستمی (۱۳۹۰) نشان دادند که افرادی که از تعلقات مذهبی بالاتری برخوردارند، احساس امنیت بیشتری دارند.

آنچه به طور کلی از این پژوهش استنباط می‌شود این است که با توجه به یافته‌های تحقیق، ضرورت توجه به اصول و شعائر اسلامی و گسترش برنامه‌های مذهبی و فرهنگی به منظور افزایش سطح احساس امنیت مردم بیش از پیش احساس می‌گردد.



منابع

- ۷، ص ۲۹-۶۵. - ابراهیم‌زاده آملی، عبدالله (۱۳۸۴). آثار دین‌داری در زندگی فردی و اجتماعی، مجله مریبان، سال پنجم، شماره ۷.
- احمدی، یعقوب؛ اسمعیلی، عطا (۱۳۸۹). سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چند بعدی و میان رشته‌ای در شهر مشهد، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره ۲، ص ۱۶۹-۱۹۰.
- امانت، حمید (۱۳۹۰). امنیت اجتماعی و ارائه الگوی سنجش آن، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۲۷، ۱۴۵-۱۷۶.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- باجپایی، کانتی (۱۳۸۴). امنیت انسانی: مفهوم و سنجش، تالیف و ترجمه: صابر شیبانی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات.
- بهیان، شاپور؛ فیروزآبادی، آمنه (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهرها (مطالعه موردی: شهر کرمان)، مطالعه جامعه‌شناختی شهری، سال سوم، شماره ۶، ص ۱۰۴-۱۲۲.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها، هراس، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی به ویراستاری مجتبی عطارزاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- پناهی، محمد حسین؛ فریبا، شایگان (۱۳۸۶). اثر میزان دین‌داری بر اعتماد سیاسی، فصلنامه علوم اجتماعی، تهران، شماره ۳۷، ص ۷۳-۱۰۸.
- پوراحمد، احمد؛ عیوضلو، محمود؛ حامد، محبوبه؛ عیوضلو، داوود؛ رضایی، فرشته (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی، فصلنامه پژوهش‌های امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره ۱، ص ۱-۲۰.
- چراغی، مونا؛ حسین، مولوی (۱۳۸۵). رابطه بین ابعاد مختلف دین‌داری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان، مجله پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی، شماره ۶، ص ۱-۲۲.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۱). مهاجرت نخبگان پدیده‌ای اجتماعی یا موضوع امنیت ملی، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۲، ص ۴۲۱-۴۴۱.
- ربانی، رسول، مهدی ادیبی، زهرا ظاهری (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نقش نیروهای انتظامی در ایجاد احساس امنیت در بین شهروندان اصفهان، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۴۸، ص ۲۱-۳۹.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۷۷). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهران و دلالت آن بر نظریه سکولار شدن،





- فصلنامه نمایه پژوهش، شماره ۷ و ۸، ص ۱۰۱-۱۱۹.
- شهبایی، سیامک (۱۳۸۲). بررسی اولویت‌های ارزشی جوانان روستایی و عوامل مؤثر بر آن، اصفهان: گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ج ۱ و ۲.
- شایگان، فریبا؛ رستمی، فاطمه (۱۳۹۰). هویت اجتماعی و احساس امنیت، فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی، سال سوم، شماره ۹، ۱۴۹-۱۸۱.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۷۶). تأثیر ساختاری بر پدیده امنیت یا ناامنی اجتماعی، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، تهران: انتشارات وزارت کشور.
- عریضی، فروغ‌السادات؛ محمدی، اصغر؛ ساسان، گل‌نساء (۱۳۹۱). رابطه ویژگی‌های اجتماعی و فردی بر احساس امنیت آنان در اماکن عمومی شهر بندرعباس، مطالعات شهر، سال دوم، شماره ۴، ۹۱-۱۱۰.
- علوی، سید سلمان؛ مرتضی ثابت قدم؛ سیامک امانت؛ زهره نورایی؛ اعظم حسینی (۱۳۸۷). نقش مذهب در کاهش پرخاشگری، مجله روان‌شناسی و دین، سال اول، شماره ۴، ۱۱۷-۱۲۸.
- عابدی، احمد؛ علیرضا شواخی؛ مریم تاجی (۱۳۸۷). رابطه بین ابعاد دین‌داری با شادی دانش‌آموزان دختر دوره متوسط شهر اصفهان؛ دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال اول، ش ۲، ۴۵-۵۸.
- قاسمی، وحید؛ اسفراجانی، زهرا (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دین‌داری بر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲۲، ۲۱-۴۶.
- کتابی، محمود و همکاران (۱۳۸۳). دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی - فرهنگی، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد هفدهم، شماره ۲، ۱۶۹-۱۹۲.
- کلمنتس، کوین (۱۳۸۴). به سوی یک جامعه امن، ترجمه محمد علی قاسمی، انتشارات مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲، ۲۸۱-۳۱۰.
- کوزر، لویی (۱۳۸۶). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۹). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- میرخیلی، سید محمود (۱۳۸۷). توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری، فصلنامه حقوق، شماره ۳، ۶۷۷-۷۰۶.
- نبوی، سید عبدالحسین؛ علی حسین، حسین زاده؛ سیده هاجر حسینی (۱۳۸۸). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره ۲، ۴۵-۶۰.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹، ۵۵-۷۶.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۳). گفتگویی پیرامون امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا. مرکز مستندات اجتماعی، شماره ۴، ۲۱-۵۵.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر تبیان.



- ورسلی، پیتر (۱۳۷۹). نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه سعید معیدفر، تهران: انتشارات تبیان.

- Berggren, N. and Bjornskov, C. (2011), Is the importance of religion in daily life related to social trust?: Cross- country and cross- state comparisons. *Journal of Economic Behavior & Organization*, Vol 80, pp 459-480.

- Brunton- S, I. and Jackson, J. (2012), *Urban fear and its roots in place. urban fabric of crime and fear.* Springer.

- Ellwood, A. (1993), The Social Function of Religion, *The American Journal of Sociology*. Vol 19. PP 289- 307.

Kishimoto, H. (1961), An Operational Definition of Religion, *Numen* Vol 8, Fasc 3. PP 239- 309.

- Glanter, M. Larson, D. and Rubenstone, T. (2000), The Impact of Evangelical Belief on Clinical Practice, *American Journal of Psychiatry*.

- Loren, G. and Karl, A. (2003), The Remarkable Health and Longevity Benefits of Participating Regularly in a Community of Faith Environment Health Prospect.

